

دین و جامعه در تعامل

حسن خادمی

hassankhademi@yahoo.com



– درآمدی بر جامعه‌شناسی دین

– فیل زاگرمین

– خشایار دیهیمی

– لوح فکر

– ۱۳۸۴، ۲۵۵ صفحه، ۳۳۰۰ نسخه، ۳۰۰۰ تومان

اندیشمندان را به خود مشغول داشته و سؤال درباره جنبه‌های مختلف آن، چگونگی ادامه حیات آن، کارکردهای آشکار و پنهان آن و تأثیرات آن بر حوزه خصوصی و عمومی افراد و ... همچنان سوالاتی هستند که جامعه‌شناسان در پی پاسخگویی به آنان می‌باشند. کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی دین اثر فیل زاگرمین یکی از این گونه تلاشهاست که سعی دارد، حول و حوش مسئله دین در جامعه به کاوش بپردازد و به سوالاتی که سالهاست ذهن فکر اندیشمندان را به خود واداشته، پاسخ گوید.

فصل بندی کتاب:

در مقدمه کتاب، نویسنده به طرح سوالاتی از این قبیل می‌پردازد: چگونه میلیونها نفر می‌توانند به چیزی معتقد باشند که آشکارا غیرموجه و باورکردنی است؟ چگونه میلیونها نفر زندگی خود را وقف چیزی می‌کنند که به غایت غیرعقلانی است و حتی حاضرند در راهش جان هم بسپارند؟ چرا برخی، نوآوران مذهبی را در جامعه‌شان دیوانه می‌پندارند، حال آنکه برخی دیگر از احترام و حمایت گسترده‌ای برخوردار می‌شوند؟ چرا عده‌ای ایمانشان را از دست می‌دهند و چرا عده‌ای به ناگهان ایمان می‌آورند؟ چرا برخی از کشورها به غایت مذهبی‌اند (مثل ایرلند) و برخی دیگر اصلاً مذهبی نیستند (مثل ایسلند)؟ وی در همان مقدمه کتاب اذعان می‌دارد که

علیرغم نظر برخی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان اجتماعی اروپایی قرن نوزدهم، مذهب نمرده است و همچنان از مهم‌ترین نهاد‌های بشری به شمار می‌آید. همچنان در بسیاری از کشورهای جهان، دین بر مهم‌ترین مسائل سیاسی روز تأثیر گذار است، روابط اجتماعی افراد را تنظیم می‌کند، در حوزه خصوصی بسیاری از افراد احاطه دارد و مهم‌تر آنکه صور جدید بنیادگرایی چه در مسیحیت، اسلام و یهودیت طرفداران بسیاری پیدا کرده است. کارل مارکس اگر امروز بود و قدرت مذهب و روحانیون دینی را در طلوع قرن ۲۱ می‌دید، شاید شوکه می‌شد! خلاصه آنکه روشنگری و پیشرفت علوم علیرغم آنکه نوعی شک‌گرایی گسترده را در دامان پرورش داده‌اند، هنوز نتوانستند علم را جایگزین مذهب کنند و به استثنای چند کشور اروپای غربی، اکثر کشورهای جهان عملاً از شور و شوق مذهبی در غلیان هستند. مذهب نه تنها برقرار است، بلکه واقعاً برای میلیونها تن مهم‌ترین، شادی‌بخش‌ترین و معنادارترین لحظات زندگیشان را فراهم می‌آورد. علاوه بر این، دهها هزار فرد و سازمان مذهبی، پیشگام تلاشهای مستمر برای کاستن از درد و رنج بشری در سرتاسر جهان هستند. تلاشهایی چون: غذا رساندن به گرسنگان، سرپناه دادن به بی‌خانمانها، پرستاری از بیماران، سرپرستی کردن یتیمان.

با این توصیفات، این پدیده مهم تاریخ بشری همچنان ذهن و فکر

روشنگری و پیشرفت علوم علیرغم آنکه نوعی شک‌گرایی گسترده را در دامان پرورش داده‌اند، هنوز نتوانستند علم را جایگزین مذهب کنند و به استثنای چند کشور اروپای غربی، اکثر کشورهای جهان عملاً از شور و شوق مذهبی در غلیان هستند

فرآیند جذب جنبه‌های بیشمار فرهنگ دوروبرمان (که شامل دین نیز می‌شود)، فرآیند آموختن غیررسمی و درونی کردن ناخودآگاه هنجارها، اعتقادات و ارزشهای خانواده، گروه نظیر، جامعه و ملت‌مان خواهد بود

مغز، فرآیندهای شناختی، فعالیت عصبی و واکنش شیمیایی قرار دارد (ص ۷۵) و به عکس جامعه‌شناسان به پدیده‌هایی چون الگوهای اجتماعی، هنجارهای فرهنگی، نیروهای نهادی، تأثیر رسانه‌ها می‌پردازند. سپس از ملکم همیلتون نقل قول می‌کند که نظریه‌های روانشناختی، دین را امری شخصی می‌دانند که از درون شخص می‌جوشد، در حالی که نظریه‌های جامعه‌شناختی، دین را امری اجتماعی برمی‌شمرند و معتقدند مذهبی بودن فرد ریشه اجتماعی دارد (ص ۷۶).

زاکرمن در ادامه مدعی خود را در قالب این فصل این‌گونه بیان می‌کند که هویت دینی عمدتاً محصول دو عامل زمان و مکان است و مثال می‌آورد که در طول صد سال گذشته، دینداری مردم انگلستان و هلند از نظر میزان اعتقاد و شرکت در مراسم کلیسایی نسبت به گذشته بسیار کمتر شده است و ابراز تردید می‌کند که این افت شدید در مذهبی بودن نتیجه تغییراتی در مغز یک‌یک افراد است بلکه پیشنهاد می‌کند باید با بررسی تغییرات و تحولات اقتصادی، سیاسی، تاریخی، ملی و اجتماعی این کشورها پی به کشف این مسئله ببریم (ص ۷۷). در ادامه این فصل، نویسنده به بسط نظر خود می‌پردازد و برای ایضاح بحث از چند واقعه تاریخی بهره می‌گیرد.

در فصل سوم، نویسنده به یکی از مقدمات بنیادین در نگاه جامعه‌شناختی به دین می‌پردازد: دین آموخته‌ای اجتماعی است. افراد دین و مذهبشان را از افراد دیگر می‌آموزند و کسب می‌کنند. به عبارتی فرآیند جذب جنبه‌های بیشمار فرهنگ دور و برمان (که شامل دین نیز می‌شود)، فرآیند آموختن غیررسمی و درونی کردن ناخودآگاه هنجارها، اعتقادات و ارزشهای خانواده‌مان، گروه نظیرمان، جامعه‌مان و ملت‌مان خواهد بود (ص ۹۴). زاکرمن با بیان مثالهای فراوان سعی در توضیح این مدعا دارد و اشاره می‌کند در عین اینکه دین و مذهب به ارتباط با پیوند با خدا یا واقعیت برین دیگری مربوط می‌شود، اما مهم‌تر از آن (و به نحو قابل مشاهده) دین و مذهب به ارتباط با پیوند با نزدیکان فرد چون پدر و مادر و آشنایان فرد بر روی همین کره خاکی بستگی دارد.

به عقیده وی فرهنگها و گروههای اجتماعی، بسترها، نمادها، ابزار شروع و انتظارات لازم برای تجربه‌های دینی اعضایشان را فراهم می‌آورند. تجربه‌های دینی می‌توانند نشان دهنده تأثیر تعیین‌کننده آموزش اجتماعی باشند چرا که آشکارا نظم و الگوی اجتماعی دارند. فرهنگهای

در پی یافتن ربط دین به هنر، سیاست، سکس، جنگ، اخلاق، روابط نژادی، رسانه‌ها، زندگی خانوادگی و قانون است و در تلاش است تا دریابد چگونه جنبه‌های مختلف جامعه در دین اثر می‌گذارد و همزمان چگونه دین بر جنبه‌های مختلف جامعه اثر می‌گذارد (ص ۳۹)، سوالاتی که دلمشغله اصلی جامعه‌شناسی دین است.

نویسنده در فصل اول سعی در توضیح این دارد که علم جامعه‌شناسی چیست و ده جزء اصلی جامعه‌شناسی از نظر خود را بیان می‌دارد. وی این اجزاء اصلی علم جامعه‌شناسی را برمی‌شمرد و سپس به ارتباط این اجزاء اصلی و حوزه دین می‌پردازد. این اجزای ده‌گانه اصلی عبارت‌اند از: مطالعه گروههای اجتماعی (ادیان بی‌تردید گروههای اجتماعی هستند)، مطالعه تعاملات اجتماعی (عمده اعمال و رفتار دینی متضمن تعاملات افراد است: زیارت، غسل تعمید، مراسمهای کلیسایی، آیین تکلیف و ...)، مطالعه نهادها و ساختارهای اجتماعی (دین یک نهاد اجتماعی است و در بعضی کشورها حتی نیرومندترین و فراگیرترین آنهاست)، مطالعه الگوهای اجتماعی (سوالاتی از قبیل اینکه الگوهای رفتاری عمل به دستورات دین بین مردان و زنان، سیاهان و سفیدان و ... تغییر می‌کند یا نه و ...)، فهم فرد در بستر تاریخی - اجتماعی (هویت مذهبی شخصی فرد یا نداشتن چنین هویتی سخت تحت تأثیر این است که فرد کجا، کی و با چه کسانی زندگی می‌کند)، نحوه شکل‌پذیری و تأثیرپذیری افراد از محیط اجتماعی‌شان (دین در شکل دادن به محیط اجتماعی افراد بسیار تأثیرگذار است)، نحوه مقاومت افراد در برابر نیروهای اجتماعی دور و برشان و تلاش آنان برای تغییر دادن این نیروها (دینها و آیینها تازه همیشه خلاف روال عمل کرده‌اند و علیه نظم مستقر شوریده‌اند، و چه بسا مقامات و قوانین جامعه را نفی کرده‌اند)، چگونه بر ساخت اجتماعی واقعیت (به هر حال اگر نه همه حداقل برخی از جنبه‌های تمامی ادیان منشأ انسانی دارد)، ویژگی افشاکنندگی (افشای غلط بودن عقاید و دیدگاههای عقل سلیم درباره دین و افشای غلط بودن خود مدعیات دینی) و رویکردی انتقادی به فهم جهان (برای جامعه‌شناس هیچ چیز مقدس نیست و دین نیز از این حیثه خارج نیست) (ص ۴۲).

در فصل دوم نویسنده، مطلب خود را با تمایز میان نگاه روانشناختی و جامعه‌شناختی به دین شروع می‌کند. به نظر وی در کانون توجه روانشناسان معمولاً پدیده‌ها یا فرآیندهایی چون ذهن، شخصیت، کارکرد

مختلف در درون متون دینی خود «تذکره‌های خاصی از تجربه‌های دینی» دارند و اعضای چنین فرهنگ‌هایی گرایش پیدا می‌کنند که از این تذکره‌های خاص تجربه‌های دینی پیروی کنند و دقیقاً همان نوع تجربه دینی داشته باشند که در فرهنگشان انتظار می‌رود (ص ۱۰۵). زا کرمن در ادامه برای روشن شدن مطلب از فرهنگ‌های مختلف و تجربه‌های دینی افراد مختلف مثالهایی می‌آورد.

در فصل چهارم، نویسنده به توضیح چهار واژه فرقه، دسته، گروه مذهبی و دین می‌پردازد. «فرقه» گروه مذهبی کوچکی است که در بهترین حالت عجیب و غریب است و در بدترین حالت مرگبار. فرقه‌ها خطرناک‌اند و قطعاً نامشروع. «دسته» شبیه فرقه است، گروه کوچک و عجیب و غریب و متفاوت و دردرساز، اما به بدی، غرابت یا خطرناکی فرقه نیست. دسته‌ها ممکن است مشروع باشند. «گروه مذهبی» صرفاً بخش فرعی از یک دین بزرگ‌تر است و عموماً یک نهاد مذهبی مشروع به شمار می‌آید. «دین» گروه مذهبی بزرگی است که بی‌چون و چرا مشروعیت دارد (ص ۱۲۳).

در ادامه زا کرمن درباره فرقه‌ها بیشتر توضیح می‌دهد و سعی می‌کند توضیح دهد که مردم چگونه درباره فرقه‌ها فکر می‌کنند و آیا طرز تلقی آنان درست است یا نادرست؟ وی اشاره می‌کند که فرقه‌ها عمدتاً رهبران کاریزماتیک دارند (ص ۱۲۴)، تصور عمومی این است که در این فرقه‌ها افراد شستشوی مغزی داده می‌شوند (ص ۱۲۶)، فرقه‌ها اعضایشان را تحریک می‌کنند که دست به اعمال خلاف، جنایتکارانه و غیرقانونی بزنند (ص ۱۲۹) و نهایتاً اینکه فرقه‌ها عمدتاً افکار و باورهای عجیب و غریب دارند (ص ۱۳۰). نویسنده برای هر کدام از این توصیفات مثالهایی می‌آورد و در ادامه به رد این گونه تصورات می‌پردازد و نهایتاً نتیجه‌گیری می‌کند که خصوصیات منجر به فرد و متمایزکننده‌ای که مردم به سازمانی مذهبی نسبت می‌دهند که می‌خواهند با برچسب «فرقه» مشروعیتش را سلب کنند، خصوصیتی هستند که می‌توان به شکل‌های مختلف در زمانهای متفاوت تقریباً در هر دین و مذهبی یافت و به همین دلیل تمایز نهادن میان فرقه و دین را به لحاظ نظری قابل دفاع نمی‌داند. وی عوامل مشروعیت-بخش ادیان را درگذر زمان، تعداد اعضا و قدرت حاکمه جستجو می‌کند و اضافه می‌کند گاهی اوقات حکومت، رسانه‌های همگانی یا علمای دینی به گروهی برچسب فرقه می‌زنند (ص ۱۳۵).

در فصل پنجم نویسنده به بررسی تأثیر زندگی اجتماعی بر دین می‌پردازد و در همان ابتدای فصل نظرش را در این باره اعلام می‌کند و می‌گوید دین را نباید موجودی قائم به ذات فهم کرد و مورد مطالعه قرار داد، بلکه باید آن را درگیر و گرفتار محیط اجتماعی - فرهنگی خاصی درک کرد. نیروهای اجتماعی، نهادهای انسانی و فرآورده‌های فرهنگی دائماً بر تجربه‌ها و نهادهای دینی تأثیر تعیین‌کننده‌ای می‌گذارند و شکلشان می‌دهند. هنجارهای جنسیتی، تمایلات جنسی، جروبحثهای سیاسی، پدیده‌های اقتصادی، مسائل نژادی، شرایط زیست محیطی، نیروی رسانه‌های همگانی، ساختار خانوادگی، پیشرفتهای تکنولوژیکی، جنبشهای هنری و خلاصه همه چیزهایی که در زندگی اجتماعی در کل اهمیت دارند، در زندگی هم اهمیت خواهند داشت. به عقیده زا کرمن، دین چه تقویت کند، چه تضعیف، همراهی کند یا بجننگد، ستایش کند یا نکوهش، همیشه و در

هر موقعیت تاریخی پیوندی محکم و تفکیک-ناپذیر با هنجاری اجتماعی، ارزشها، نمادها و نهادهای خاص فرهنگ گسترده‌تری دارد که در درونش جای گرفته است (ص ۱۴۰). زا کرمن برای ایضاح بحث خود دو مثال می‌آورد، یکی تغییرات در دیدگاه جامعه آمریکا نسبت به نژادپرستی و انعکاس آن در آموزه‌های آیین مورمون (ص ۱۴۲) و دیگری تأثیر

فمینیسم بر یک

جماعت کوچک

یهودی در یوجین

اورگون (ص ۱۵۸).

در فصل ششم

نویسنده به تأثیر دین بر

زندگی اجتماعی می-

پردازد. وی اذعان می‌کند، درست همان-

طور که محیط اجتماعی - فرهنگی بر

دین تأثیر می‌گذارد بر همان وجه نیز

دین بر محیط اجتماعی - فرهنگی

تأثیر می‌گذارد. به زعم وی دین غالباً

می‌تواند عامل نیرومند تعیین‌کننده

پدیده‌های اجتماعی باشد، به نهادهای

شکل دهد، بر ارزشها تأثیر گذارد،

هنجارهای جنسیتی را تحت نفوذ خود بگیرد، به

حفظ محیط زیست کمک رساند، رسانه‌های همگانی را

البته شاید استفاده از

آراء جامعه‌شناسان کلاسیک،

الزامی نباشد و نبود آراء آنها

نقص کتاب به شمار نیاید

ولی با توجه به اینکه کتاب زا کرمن،

کتابی مقدماتی در حوزه

جامعه‌شناسی دین است،

با پرداختن به آراء

جامعه‌شناسان کلاسیک می‌توانست

هم به غنای بحث بیفزاید

و هم خواننده (تازه وارد) را

با این آثار

آشنا سازد

زیر چتر خود بگیرد و جنبشهای هنری را دگرگون کند (ص ۱۷۵).
زاگرمَن در ادامه این فصل با ارائه دو مثال سعی در فهم بهتر مطلب می‌کند. یکی تأثیری که مسیحیت بر جنبش حقوق مدنی آمریکا داشته است (ص ۱۷۶). جنبش حقوق مدنی، مبارزه‌ای اجتماعی سیاسی بود که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در آمریکا به راه افتاد و طی آن آمریکاییهای آفریقایی با موفقیت، قوانین و ارزشهای نژادی گوناگون را به مبارزه خواندند و برانداختند و آرمانها و اخلاقیات مسیحی سیاهان بیشترین یاور این جنبش بود. نویسنده در ادامه به نوشته‌ها و سخنرانیهای مارتین لوتر کینگ و رهبران جنبش پرداخته است.
مثال دیگری که زاگرمَن در این زمینه می‌آورد تأثیری است که ادیان بر زندگی جنسی گذاشته‌اند و با اشاره به تعالیم مسیحی در مورد رابطه سکس و ممنوعیتها و محدودیتهای آن به فهم مطلب یاری رسانده است (ص ۱۹۰).

فرهنگهای مختلف

در درون متون دینی خود

«تذکره‌های خاصی از تجربه‌های دینی»

دارند و اعضای چنین فرهنگهایی

گرایش پیدا می‌کنند

که از این تذکره‌های خاص

تجربه‌های دینی پیروی کنند

و دقیقاً همان نوع تجربه دینی

داشته باشند که

در فرهنگشان

انتظار می‌رود

در فصل آخر که فصل نتیجه‌گیری کتاب است، نویسنده به این پرسش می‌رسد که چرا تعداد زیادی از مردم، به یک عقیده ولو خیالی یا مهمل معتقد می‌شوند و سخت به آن اعتقاد پیدا می‌کنند. وی در جایی اشاره می‌کند که ادیان غالباً حول محور مجموعه‌ای از ادعاهای آشکارا خارق‌العاده و غالباً خیالی پردازانه شکل می‌گیرند و ریشهٔ جذابیت ادیان را در همین امر جستجو می‌کند.

سپس برای پاسخ به این مسئله به تبیینی روانشناختی دست می‌زند و توضیح می‌دهد افراد به اعتقادات غیرواقعی روی می‌آورند، زیرا به آنها راحتی و آرامش می‌بخشند، احساس می‌کنند حالشان بهتر است و آرام‌تر و آسوده‌تر هستند. این اعتقادات به آنها امید می‌دهد و تسکین دهندهٔ آنان در برابر مرگ می‌باشد (ص ۲۲۱). در اینجا است که نویسنده کتاب با این پاسخ قانع نمی‌شود و اضافه می‌کند دین را نمی‌توان به سادگی صرفاً به فرآیندها، نیازها و یا تمایلات فردی - روانشناختی فروکاست و توضیح می‌دهد ما حیوانات اجتماعی هستیم و روانشناسی فردی جدا از تعامل اجتماعی نمی‌تواند وجود داشته باشد و در نهایت به قید و بندهایی که رویکرد جامعه‌شناسی به دین دارد می‌پردازد. مانند قید و بندهای زمانی و مکانی - تأثیر عمیق اطرافیان و جامعه در تعیین مذهب و دین و مذهبی شدن افراد. جنبه‌های گوناگون محیط اجتماعی بر دین و جنبهٔ عکس آن، تأثیر دین بر جهان اجتماعی افراد. (ص ۲۲۲) و در انتها وی به سوالاتی که در ابتدای فصل آن را مطرح کرد، «چه می‌شود که عده‌ای به عقایدی خرافی و موهوم پایبند می‌شوند» به طور اجمالی پاسخ می‌دهد که مهم‌ترین و برجسته‌ترین عوامل در تعیین اعتقادات آتی افراد، تعاملات اجتماعی آنان با دیگران خواهد بود.

و در نهایت با برشمردن بعضی نقاط ضعف این پاسخ، به نتیجه‌گیری کلی کتاب و جایگاه جامعه‌شناسی دین می‌پردازد: مثل همه جنبه‌های رفتار انسانی، بی‌گمان کسب یا از دست دادن اعتقادات خاص، مسئله‌ای پیچیده و مرکب از عوامل و فرآیندهای اجتماعی، روانشناختی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ژنتیکی است که به گونه‌ای راز آمیز خود را در بسیاری جهات و درجات آشکار می‌سازد. جامعه‌شناسی وقتی پای دین به میان می‌آید برای همه سوالات پاسخی درخور ندارد. هیچ رشته‌ای چنین نیست. اما جامعه‌شناسی بصیرتهای تأمل برانگیز و روشنگر بسیاری ارائه می‌کند، که درک ما را از شگفت‌ترین جنبه‌های اعتقاد و رفتار انسانی که دین نامیده می‌شود روشن‌تر و روشن‌تر می‌کند (ص ۲۲۸).

نقد کتاب:

کتاب زاگرمَن، علیرغم اینکه کتابی دانشگاهی در زمینه جامعه‌شناسی دین به شمار می‌رود ولی شیوایی و سادگی متن کتاب که با مثالهای فراوان جذاب همراه شده باعث شده خواننده از خواندن کتاب خسته نشود. وی به خوبی توانسته است معانی و تعاریف دشوار جامعه‌شناسی دین را در قالبهایی عامه فهم ارائه دهد، به طوری که خواننده غیر آکادمیک نیز بتواند از آن بهره برد.

کتاب‌شناسی اثر مذکور نشان می‌دهد که انبوه منابع به کار رفته در اثر یاد شده نشان از زحمات زیاد نویسنده در ارائه اثری مستدل و پرمایه دارد.

زاکرم‌ن پا را از حیطة علم جامعه‌شناسی بیرون گذاشته و به قلمروهایی چون فلسفه دین و الهیات نزدیک می‌شود

با توجه به اینکه نویسنده در همان ابتدای کتاب اذعان می‌دارد که فردی لاادری است،
خواننده اثر می‌تواند بازتاب این نوع نگرش به جهان را
در لابلای کتاب وی ببیند

مؤلف به خوبی توانسته است معانی و تعاریف دشوار جامعه‌شناسی دین را
در قالبهایی عامه فهم ارائه دهد، به طوری که خواننده غیرآکادمیک نیز
بتواند از آن بهره برد

خواننده اما خیلی زود اضافه می‌کند که این مسئله ربطی به جامعه‌شناس
ندارد. زاکرم‌ن در جایی از قول مایکل شرمر به مسئله افشاگری جامعه-
شناختی اشاره می‌کند: «وقتی افراد می‌گویند به خدا باور دارند چون
آرامشان می‌کند، چون ایمان دارند، چون مکاشفه شخصی دارند... من این
قُلْت نمی‌کنم... اما وقتی افراد بگویند که می‌توانند ثابت کنند خدا هست،
می‌توانند ثابت کنند دینشان برحق است... فکر می‌کنم این ادعاها نیازمند
تجزیه و تحلیل علمی و عقلی است» (ص ۶۹) همان گونه که دیده می‌شود
خصلت افشاگری، آن گونه که زاکرم‌ن در این نقل قول به آن می‌پردازد، پارا
از حیطة علم جامعه‌شناسی بیرون گذاشته و به قلمروهایی چون فلسفه
دین و الهیات نزدیک می‌شود.

به نظر زاکرم‌ن یک جامعه‌شناس دین، مسئله صدق یا کذب اعتقادات
دینی را نباید - و نمی‌تواند - کنار گذارد. زیرا توضیح دادن اینکه چگونه
میلیونها آدم تندرست و معقول می‌توانند چیزهای باورنکردنی را باور کنند،
معضل اجتناب‌ناپذیری برای عالم علوم اجتماعی است. وی با تأیید نظر
استیو بروس می‌گوید اگر مردم به چیزی باور آورند که آشکارا کذب و خلاف
مدارک است، باید داستانی علی‌پردازیم که بگوید چگونه چنین چیزی
پیش می‌آید (۲۱۹). در واقع زاکرم‌ن در انتهای کتاب خود پا را از جامعه-
شناسی دین بیرون می‌گذارد به سوالاتی می‌پردازد که شاید یک متاله یا
یک فیلسوف دین باید به آنها پاسخ دهد.

از دیگر موارد مورد انتقاد کتاب این است که با توجه به اینکه نویسنده
در همان ابتدای کتاب اذعان می‌دارد که فردی لاادری است، خواننده اثر
می‌تواند بازتاب این نوع نگرش به جهان را در لابلای کتاب وی ببیند.
با تمام این احوال نشر اثر مذکور و کتابهایی از دین دست در جامعه‌ای که
دین نقش مهمی در همه ابعاد زندگی از سیاست و اقتصاد گرفته تا فرهنگ و
هنر ایفا می‌کند، بسیار ارزشمند خواهد بود. مطمئناً تلاشهایی از این جنس،
درک و فهمی بهتر و امروزی‌تر از دین و نقش آن در جامعه ارائه می‌دهند.

زاکرم‌ن در هر کجای اثر خود که اشاره‌ای به رسم یا آیینی مذهبی دارد، یا
نقل قولی از کسی می‌آورد بلافاصله منبع اثر را نیز ذکر می‌کند و همین
باعث شده کتاب وی از این نظر بسیار غنی به نظر آید.

ترجمه اثر مذکور به قلم خشایار دیهیمی به بهترین نحو ممکن صورت
گرفته است. دیهیمی که از مترجمین نام‌آشنای کشورمان است به گونه‌ای
اثر مذکور را به فارسی برگردانده که ارزش ادبی متن به خوبی حفظ شود.
نحوه ارجاع مطلب در کتاب مذکور با کتابهای دیگر متفاوت است. این
گونه که نام نویسنده و سال انتشار اثر به جای آنکه در داخل متن آورده
شوند، در پایین صفحه نوشته شده‌اند و مشخصات منبع در انتهای کتاب به
طور کامل آورده شده است.

اما در مورد نقد محتوایی اثر زاکرم‌ن باید گفت، در کتاب وی جای
نظریات بنیادگذاران جامعه‌شناسی چون امیل دورکیم، کارل مارکس و
ماکس وبر خالی است. امروزه آراء مارکس درباره دین و ایدئولوژی، صور
حیات دینی دورکیم و اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری ماکس وبر
زینت بخش هر کتاب جامعه‌شناسی به شمار می‌روند که در اثر مذکور هیچ
اشاره‌ای به آنان نشده است. البته شاید استفاده از آراء جامعه‌شناسان
کلاسیک، الزامی نباشد و نبود آراء آنها نقص کتاب به شمار نیاید ولی با توجه
به اینکه کتاب زاکرم‌ن، کتابی مقدماتی در حوزه جامعه‌شناسی دین است،
با پرداختن به آراء جامعه‌شناسان کلاسیک می‌توانست هم به غنای بحث
ببفزاید و هم خواننده (تازه وارد) را با این آثار آشنا سازد.

اما مهم‌ترین انتقادی که به کتاب مذکور وارد است این است که زاکرم‌ن
بر خلاف طیف کثیری از جامعه‌شناسان و مردم‌شناسانی که خودش در کتاب
برمی‌شمرد چون کلیفورد گرتز، اندرو گرلیلی، چالفانت و پامر معتقد است که
یک جامعه‌شناس باید مدعای گروه‌های مذهبی را همیشه مورد پرسش و
پژوهش قرار دهد. این نظر کمی بحث‌انگیز است. این نگاه درست مقابل
نظر ماکس وبر است که در جایی کتاب «دین مورمون» را دوز و کلک می-